چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید

۲

بر اساس گزارش اتاق بازرگانی ایران از نتایج طرح پایش ملی محیط کسب‌وکار در تابستان ۱۴۰۴ نسبت به پایان دولت سیزدهم؛

محیط کسب‌وکار نامساعدتر شد

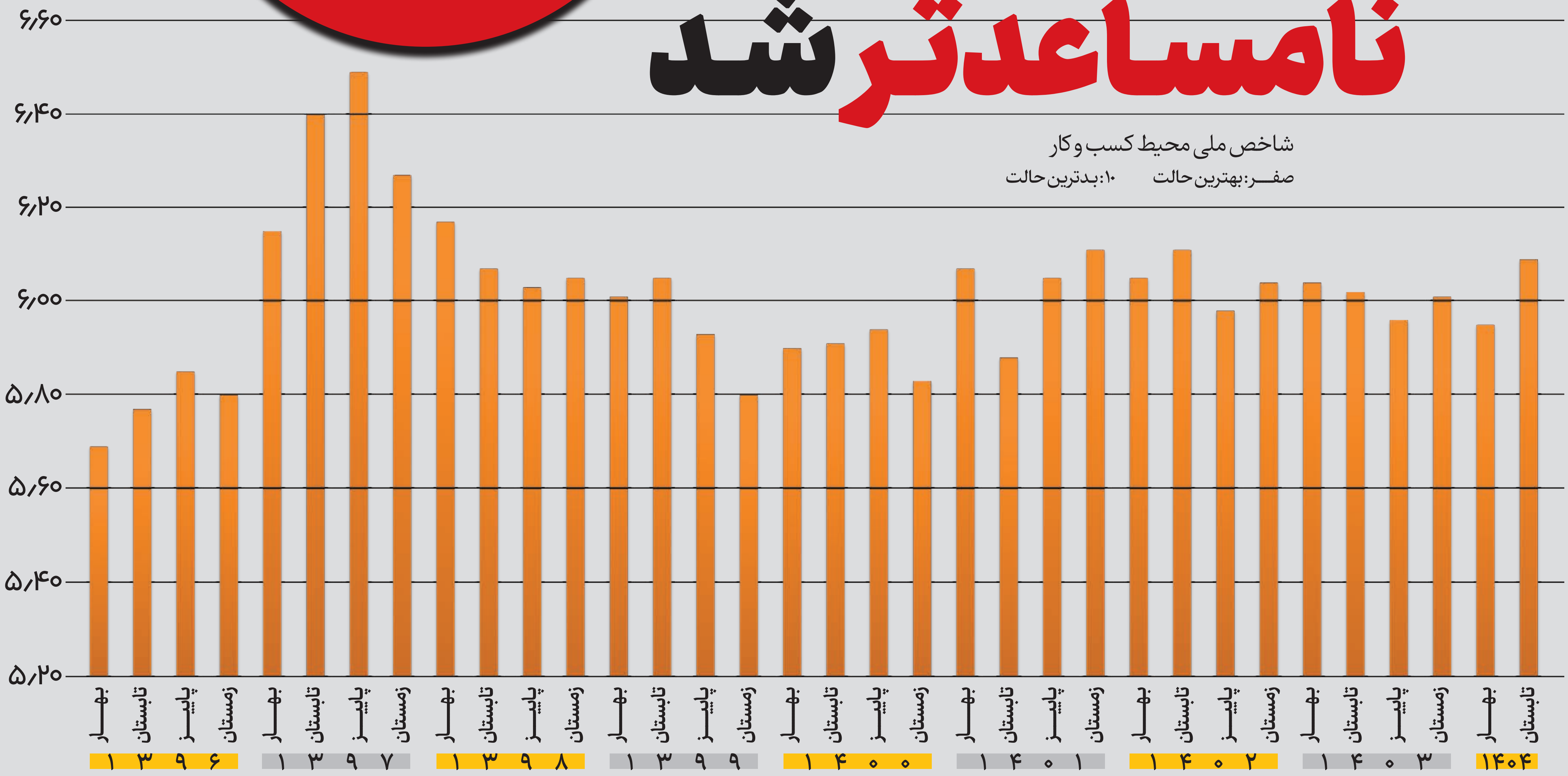

یادداشت

تلاش شریعتمداری برای خفقان رسانه‌ای

علی خضریان
نماینده مجلس

محمد شریعتمداری سابقه طولانی وزارت و مدیریت در دولت‌های اصلاح‌طلب دارد و جزو نامزدهای اصلاح‌طلب در انتخابات ریاست جمهوری اخیر بود که البته تایید صلاحیت نشد. شریعتمداری از نزدیکان محمد خاتمی محسوب می‌شود و باید او را از چهره‌های اصلی جریان اصلاح‌طلب دانست. در دولت چهاردهم هم شریعتمداری در پول‌سازترین هلدینگ کشور یعنی شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس مشغول به کار شد.

در یک سالی که شریعتمداری در شرکت پتروشیمی خلیج فارس فعالیت کرده، همچون سابقه‌اش در دولت روحانی، این شرکت معظم را به پاتوق اصلاح‌طلبان تبدیل کرده و انتصابات سیاسی را در جایگاه‌های تخصصی شرکت‌های پتروشیمی به اوج رسانده است.

بدین ترتیب، هلدینگ پتروشیمی خلیج فارس که بزرگترین شرکت بورسی و پول‌سازترین شرکت خصولتی محسوب می‌شود، در دولت چهاردهم به مأمن افراطیون اصلاح‌طلب و افراد پرونده‌دار سیاسی و امنیتی تبدیل شده است. از سوی دیگر، این هلدینگ تلاش دارد با تطمیع رسانه‌ها مانع اطلاع‌رسانی درباره این تخلفات شود، این در حالی است که نمایندگان مجلس از سال گذشته نسبت به انتصابات حاشیه‌ساز و غیرقانونی در هلدینگ خلیج فارس تذکر داده‌اند. متاسفانه شاهد آن هستیم که رسانه‌های مستقلی که به انتصابات حاشیه‌ساز محمد شریعتمداری در هلدینگ خلیج فارس انتقاد کرده‌اند، با شکایت این فرد مواجه شده‌اند.

این رفتارها و ایجاد خفقان در فضای رسانه‌ای کشور بدون شک موجب خواهد شد یکی دیگر از وعده‌ها و شعارهای دولت وفاق نقش برآب شود.

درواقع وقتی یک رسانه منتقد مثل روزنامه چارسوق به این موضوع پرداخت و از انتصابات سیاسی شریعتمداری خرده گرفت، شاهد بودیم که برخلاف همه وعده‌های فریبنده اصلاح‌طلبان درباره آزادی بیان و شعار زنده باد مخالف من، شریعتمداری اقدام به طرح شکایت از رسانه منتقد کرده است. خوشبختانه دستگاه قضایی با رسیدگی عادلانه به این پرونده، شکایت شریعتمداری را رد کرد و حق را به روزنامه چارسوق داد.

در هر حال این ماجرا، پوشالی بودن شعارهای آزادی بیان اصلاح‌طلبان را به خوبی نشان داد ضمن اینکه انتقادات چارسوق نسبت به عملکرد شریعتمداری در هلدینگ خلیج فارس، اکنون پشتوانه حکم قضایی هم دارد.

۳

فامیل‌بازی به وزارت نفت رسید

مهرداد رحیمی ممقانی، فردی با مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد حقوق از دانشگاه آزاد، بدون سابقه در صنعت پتروشیمی، اما با نسبت فامیلی نزدیک با شهرام دبیری (معاون معزول پارلمانی دولت چهاردهم)، با حکم مستقیم وزیر نفت به عضویت هیات‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی منصوب شد. انتصابی که حالا از سوی نمایندگان مجلس نهادهای نظارتی به‌عنوان نمونه‌ای عیان از نقض شایسته‌سالاری و تعارض منافع شناخته می‌شود.

رحیمی در دوران دانشجویی، بازداشت شده و عضو «کمیته گزارشگران حقوق بشر» بوده و اتهامات امنیتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» و «محاربه» داشته که در رسانه‌های خارجی نیز بازتاب یافته است.

حال پرسش اساسی این است:

فردی با چنین پیشینه‌ای و بدون تجربه تخصصی در صنعت انرژی، چگونه به ریاست امور بین‌الملل و سپس عضویت هیات‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی رسیده است؟

چارسوق
نبض اقتصـــاد را در دست بگیرید
Charsogh newspaper
پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۴ ■ سال دوم ■ شماره ۳۱۸

خبر

کشت قراردادی نهاده دامی؛ راهکاری تخصصی یا انحصار در تأمین پروتئین؟

پیش‌نویس تازه وزارت جهاد کشاورزی درباره کشت قراردادی جو و ذرت دامی، نگرانی کارشناسان و فعالان صنعت دام و طیور را برانگیخته است. گره زدن واردات به تولید و اعطای مزیت‌های وارداتی به شرکت‌های منتخب، خطر افزایش انحصار و تهدید امنیت غذایی کشور را به همراه دارد.

پیش‌نویس جدید وزارت جهاد کشاورزی با محوریت تولید قراردادی جو و ذرت دامی، در ظاهر به هدف حمایت از کشاورز طراحی شده است اما کارشناسان کشاورزی هشدار می‌دهند که گره زدن واردات این محصولات حیاتی به فرآیند تولید داخلی، می‌تواند پیامدهای منفی قابل توجهی برای بازار نهاده‌ها و صنعت دام و طیور کشور به همراه داشته باشد.

این دو محصول، پیش‌نیاز اصلی خوراک دام و طیور هستند و کوچک‌ترین اختلال در تأمین آنها، زیان مستقیم به تولیدکنندگان و درنهایت گرانی یا کمبود اقلام پروتئینی در سفره مردم را به دنبال دارد.

تجربه تحولات سال‌های اخیر نشان داده که اتخاذ سیاست‌های محدودکننده تولید، به‌ویژه برای محصولاتی با مزیت نسبی پایین و مصرف بالای منابع آب، هزینه‌های سنگینی بر بدنه کشاورزی تحمیل می‌کند.

تجربه تلخ برنج و دانه‌های روغنی

سیاست‌های مشابه در زمینه تولید برنج و دانه‌های روغنی، دورنمای روشنی ارائه نمی‌دهند. افزایش قیمت برنج تا سه برابر نرخ جهانی و فشار بیش از حد بر منابع آب و خاک، نمونه‌ای از نتایج اعمال سیاست‌های خودکفایی بدون توجه به مزیت نسبی و ظرفیت تولید بوده است.

توسعه کشت دانه‌های روغنی نیز نه فقط وابستگی کشور به واردات را کاهش نداده، بلکه با تخریب منابع و کاهش توان تولید، کشاورزی را آسیب‌پذیرتر کرده است.

با توجه به تجربه‌های گذشته، ادامه فشار بر تولید ذرت و جو داخلی بدون در نظر گرفتن ظرفیت و مزیت نسبی، نه تنها مقرون به صرفه نیست، بلکه تهدیدی جدی برای امنیت غذایی و پایداری صنعت دام و طیور کشور محسوب می‌شود.

موانع غیرتعرفه‌ای؛ ریسک مضاعف برای واردکنندگان

یکی از نکات مهم این پیش‌نویس، اعمال محدودیت و الزام واردکنندگان برای مشارکت در تولید داخلی است. این اقدام، عملاً ایجاد یک مانع غیرتعرفه‌ای برای واردکنندگان به شمار می‌آید که علاوه بر فشارهای موجود ناشی از تأمین ارز و تجارت خارجی، تجارت آنان را در معرض ریسک‌های بالاتری قرار می‌دهد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در شرایط کنونی، کمبود ارز دولتی و نوسانات بازار نهاده‌های دام و طیور، خود به تنهایی باعث اختلال در تأمین و افزایش قیمت‌ها شده است. تحمیل الزامات تولید قراردادی، بدون بهره‌گیری از مسیرهای تخصصی و متمرکز، مشکل را تشدید و سود نهایی را به سفره مردم منتقل می‌کند.

رد پای انحصار و غفلت از تشکل‌ها

پیش‌نویس تهیه‌شده، بدون در نظر گرفتن نظر تشکل‌های تأمین‌کننده نهاده‌های دامی، راه را برای افزایش تمرکز و انحصار باز کرده است. تشویق واردکنندگان بزرگ به مشارکت در تولید و اعطای مزیت‌های وارداتی، می‌تواند موجب افزایش ضریب تمرکز در بازار شود و امکان رقابت را برای سایر فعالان محدود سازد.

این شیوه اجرایی، نه فقط حمایت واقعی از تولید را تضمین نمی‌کند، بلکه با ایجاد انحصار در واردات و تأمین نهاده‌ها، آسیب مستقیم به امنیت غذایی کشور وارد می‌آورد. تجربه نشان داده که چنین سیاست‌هایی، حتی در صورت شعار حمایت از کشاورز، در عمل باعث افزایش قیمت اقلام اساسی و فشار بر سفره مردم می‌شود.

کشت فراسرزمینی؛ راهکاری مغفول مانده

در کشورهای پیشرفته، توسعه کشاورزی بر مبنای مزیت نسبی و بهره‌گیری از کشت فراسرزمینی انجام می‌شود. ترکیه و چین نمونه‌هایی از کشورهایی هستند که با سرمایه‌گذاری در خارج از مرزها، توانسته‌اند تأمین مواد اولیه و نهاده‌های خود را تضمین کنند و فشار بر منابع داخلی را کاهش دهند. در ایران، این رویکرد تاکنون بیشتر جنبه شعار و برنامه داشته و اقدامات عملی، تسهیلات و جذابیت‌های کافی برای توسعه کشت فراسرزمینی فراهم نشده است. کارشناسان معتقدند که بهره‌گیری از کشت فراسرزمینی می‌تواند جایگزینی پایدار و کم‌هزینه برای فشار بر منابع داخلی باشد و از ایجاد انحصار در بازار داخلی جلوگیری کند.

راهکار؛ تمرکز بر تخصص و تفویض به نهادهای دولتی

در شرایط حساس کنونی، تحمیل طرح‌های غیرعملیاتی و محدودکننده، اقدامی غیرعقلانی است. کارشناسان پیشنهاد می‌کنند که حتی اگر شرکت‌هایی مشتاق به کشت قراردادی هستند، این فرآیند باید بدون هیچ مزیت وارداتی برای طرف مقابل انجام شود تا زمینه بروز انحصار ایجاد نشود.

همچنین کشت قراردادی جو و ذرت دامی می‌تواند به سازمان تعاون روستایی یا شرکت توسعه کشت دانه‌های روغنی سپرده شود. این نهادها به دلیل تمرکز بر تولید داخلی و تخصص در مدیریت منابع، می‌توانند بدون تحمیل بار اضافی بر دوش واردکنندگان، کشت و تأمین نهاده‌ها را به صورت حرفه‌ای مدیریت کنند. چنین رویکردی، علاوه بر تضمین امنیت غذایی، از ریسک‌های انحصار و نوسانات بازار جلوگیری خواهد کرد.

درمجموع، درنهایت پیش‌نویس کشت قراردادی جو و ذرت دامی، اگرچه در ظاهر با شعار حمایت از تولید همراه است اما در صورت اجرای غیرتخصصی و همراه با مزیت‌های وارداتی برای شرکت‌های خاص، می‌تواند منجر به انحصار، افزایش قیمت نهاده‌ها و تهدید امنیت غذایی شود.

مسیر عقلانی، بهره‌گیری از نهادهای تخصصی، تمرکز بر کشت داخلی و استفاده از ظرفیت‌های کشت فراسرزمینی است تا تولید و تأمین پروتئین کشور به شکل پایدار و بدون آسیب به منابع و سفره مردم مدیریت شود.

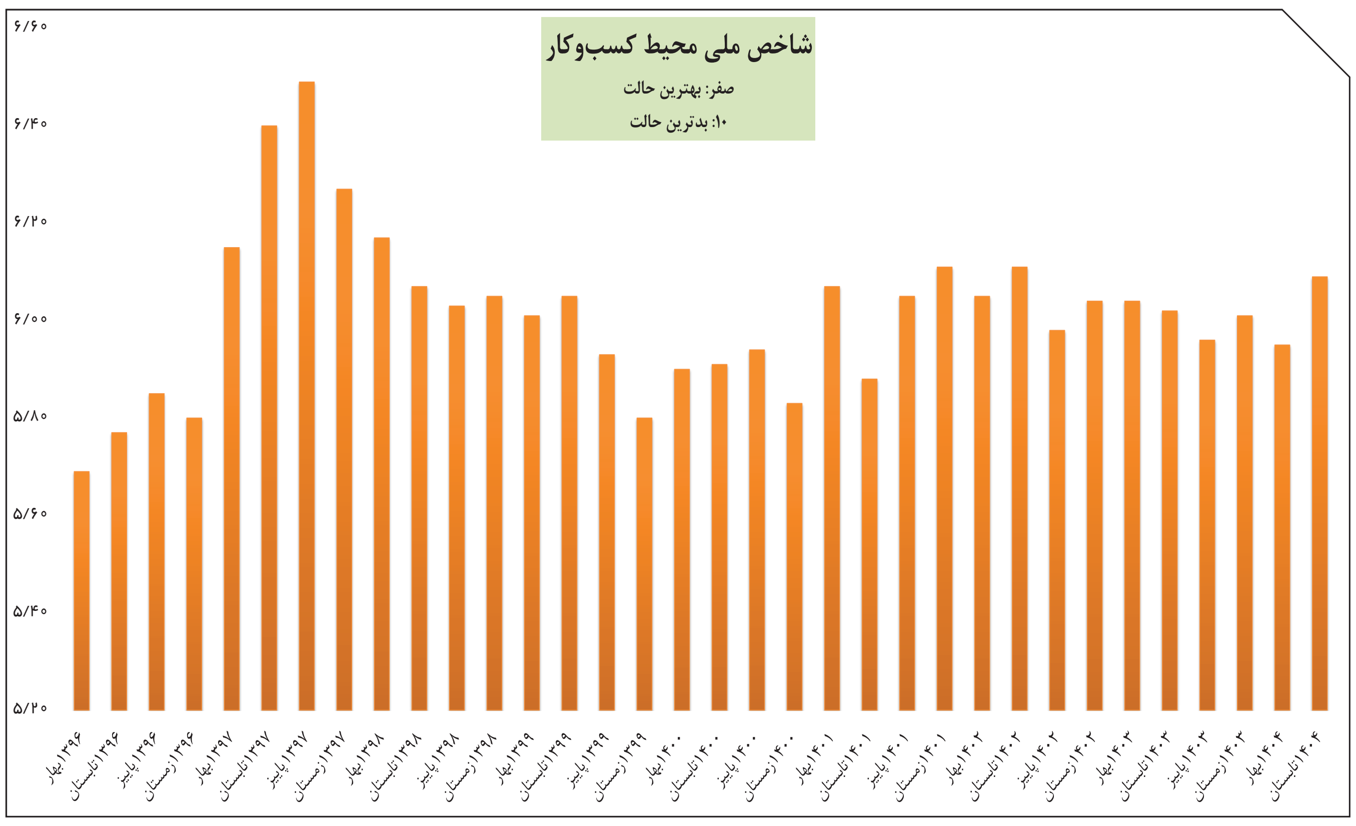

براساس گزارش اتاق بازرگانی ایران از نتایج طرح پایش ملی محیط کسب‌وکار؛

محیط کسب‌وکار در دولت چهاردهم نامساعدتر شد

گزارش

براساس گزارش اتاق بازرگانی از نتایج پایش ملی محیط کسب‌وکار ایران در تابستان ۱۴۰۴، عدد شاخص ملی محیط کسب‌وکار در این فصل به ۶/۰۹ (نمره بدترین ارزیابی ۱۰ است) رسیده که نامساعدتر از وضعیت این شاخص در فصل پایانی دولت سیزدهم (تابستان ۱۴۰۳ با نمره ۶/۰۲) بوده است.

گزارش اتاق بازرگانی از بدترشدن محیط کسب‌وکار در دولت چهاردهم، از آن جهت اهمیت دوچندانی دارد که اعضای اتاق بازرگانی در انتخابات ریاست جمهوری سال گذشته برای پیروزی مسعود پزشکیان سنگ تمام گذاشتند. آن‌ها از پزشکیان در زمان تبلیغات انتخاباتی دعوت کردند در اتاق بازرگانی حضور یابد و استقبال باشکوهی هم از او کردند.

پس از پیروزی پزشکیان در انتخابات، او مجدداً به اتاق بازرگانی رفت و در آنجا اولین درخواست اعضای بخش خصوصی، بهبود محیط کسب‌وکار بود. در آن جلسه، صمد حسن‌زاده، رئیس اتاق بازرگانی، وضعیت فضای کسب‌وکار را «نامطلوب» خواند و تاکید کرد که خواسته بخش خصوصی این است که دولت چهاردهم توجه بیشتر به بهبود فضای کسب‌وکار را در اولویت خود قرار دهد. در طول یک سال اخیر اعضای اتاق بازرگانی چندین بار با پزشکیان در نهاد ریاست جمهوری جلسه داشته‌اند.

اما اکنون با گذشت یک سال از دولت چهاردهم، نظرسنجی از ۳۱۰۰ فعال اقتصادی بخش خصوصی نشان می‌دهد از نگاه آنها محیط کسب‌وکار نسبت به پایان دولت سیزدهم بدتر شده است.

جزئیات شاخص کسب‌وکار

شاخص ملی محیط کسب‌وکار عددی بین صفر و ۱۰ است که صفر بهترین حالت را نشان می‌دهد و عدد ۱۰ بدترین حالت کسب‌وکار کشور. طبق گزارش اتاق بازرگانی در تابستان سال گذشته که فصل پایانی دولت سیزدهم بود شاخص ملی محیط کسب‌وکار ایران ۶/۰۲ بود اما در تابستان امسال به ۶/۰۹ رسیده یعنی اوضاع کسب‌وکارها در یک سال نخست دولت پزشکیان بدترشده است. طبق گزارش اتاق بازرگانی، بدترین دوره محیط کسب‌وکار کشور مربوط به دولت حسن روحانی بود به طوری که در پاییز سال ۱۳۹۷ شاخص ملی محیط کسب‌وکار به ۶/۴۹ رسید. در دولت سیزدهم وضعیت محیط کسب‌وکار در ثبات نسبی بود اما در یک سال اخیر مجدداً اوضاع برعکس شده است.

نتایج پایش ملی محیط کسب‌وکار ایران در تابستان ۱۴۰۴ که به همت مرکز پژوهش‌های اتاق ایران با مشارکت بیش از ۳۰۰۰ فعال اقتصادی انجام شده است، از نامساعدتر شدن محیط کسب‌وکار حکایت دارد.

براساس نتایج این پایش، به ترتیب ۵ مؤلفه ۱-غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات ۲-دشواری تأمین مالی از بانک‌ها، ۳-بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار، ۴-محدودیت دسترسی به حامل‌های انرژی-برق، گاز، گازوئیل و- و ۵-رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات، نامناسب‌ترین مؤلفه‌های محیط کسب‌وکار کشور در تابستان امسال بوده‌اند.

در بین رشته فعالیت‌های اقتصادی، به ترتیب: ۱-آموزش، ۲-خدمات مربوط به تأمین جا و غذا و ۳-آب‌رسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه دارای بهترین وضعیت محیط کسب‌وکار و رشته فعالیت‌های ۱- املاک و مستغلات ۲- استخراج معدن و ۳- ساختمان، بدترین وضعیت محیط کسب‌وکار را در مقایسه با سایر رشته فعالیت‌های اقتصادی در کشور داشته‌اند.

> طبق گزارش اتاق بازرگانی، بدترین دوره محیط کسب‌وکار کشور مربوط به دولت حسن روحانی بود به طوری که در پاییز سال ۱۳۹۷ شاخص ملی محیط کسب‌وکار به ۶/۴۹ رسید. در دولت سیزدهم وضعیت محیط کسب‌وکار در ثبات نسبی بود اما در یک سال اخیر مجدداً اوضاع برعکس شده است

نحوه محاسبه شاخص

شاخص ملی محیط کسب‌وکار از دو بخش تشکیل شده است: بخش اول نظرسنجی از فعالان اقتصادی که به آن مؤلفه‌های پیمایشی گفته می‌شود و بخش دوم آمارهای رسمی کشور. شاخص ملی محیط کسب‌وکار طبق فرمول از نتایج این دو بخش تعیین می‌شود.

مطابق مدل ارائه‌شده برای محاسبه شاخص محیط کسب‌وکار در ایران، شاخص ملی محیط کسب‌وکار از طریق انجام محاسبات بر روی ۷۰ نماگر که شامل ۲۸ مؤلفه پیمایشی و ۴۲ مؤلفه آماری که از عوامل مختلف و قابل احصای مؤثر بر اداره واحدهای تولیدی در ایران معرفی شده است، حاصل می‌شود. قابل ذکر است مؤلفه‌های پیمایشی و آماری مورد استفاده در محاسبه فضای کسب‌وکار کشور به صورت زیر تعریف شده‌اند.

مهم‌ترین مؤلفه‌های پیمایشی شاخص کسب‌وکار:

۱-نحوه استقبال مشتریان از نوآوری و ابتکار در ارائه خدمات و محصول
۲-برداشت‌های سلیقه‌ای از قوانین و مقررات توسط مأموران محیط زیست، شهرداری، گمرک، بهداشت و-
۳-بی‌تعهدی طرف‌های قرارداد و معامله به اجرای تعهدات و وعده‌هایشان
۴-بی‌ثباتی سیاست‌ها، قوانین و مقررات و رویه‌های اجرایی ناظر بر کسب‌وکار
۵-غیرقابل پیش‌بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات
۶-رویه‌های سخت‌گیرانه اداره‌های کار و بیمه تأمین اجتماعی برای مدیریت نیروی انسانی
۷-تمایل عمومی به خرید کالاهای خارجی و بی‌رغبتی به خرید محصولات ایرانی
۸-تولید و عرضه نسبتاً آزاد کالاهای غیراستاندارد و تقلبی در بازار
۹-وجود رقابت غیرمنصفانه شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا شبه دولتی در بازار
۱۰-رویه‌های ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات
۱۱-دشواری تأمین مالی از بانک‌ها
۱۲-فقدان یا شفاف نبودن آمار و اطلاعات موردنیاز برای فعالیت اقتصادی
۱۳-ضعف زیرساخت‌های حمل‌ونقل-جاده‌ای، ریلی، هوایی، دریایی و بندری-
۱۴-ضعف دادگاه‌ها در رسیدگی به شکایات و پیگرد مؤثر متجاوزان به حقوق دیگران
۱۵-وجود انحصار، امتیاز یا هر نوع رانت به یک یا تعدادی از رقبا در بازار
۱۶-ضعف نظام توزیع و مشکل در رساندن محصول به بازار
۱۷-عرضه کالاها و محصولات قاچاق در بازار ایران
۱۸-فقدان ارتباط مناسب میان عوامل تأمین مواد اولیه، تولید و عرضه یک محصول در بازار
۱۹ - دخالت‌های غیرمنطقی نهادهای حاکمیتی در تعیین قیمت‌ها در بازار
۲۰-کارگریزی عمومی و ضعف فرهنگ کار در جامعه
۲۱-کمبود تقاضا در بازار
۲۲-کمبود فناوری‌های نوین و تجهیزات موردنیاز
۲۳-کمبود نیروی کار ماهر
۲۴-محدودیت‌های دسترسی به شبکه تلفن همراه و اینترنت
۲۵-محدودیت دسترسی به آب
۲۶-محدودیت دسترسی به حامل‌های انرژی-برق، گاز، گازوئیل و--
۲۷-فساد و سوءاستفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاه‌های اجرایی
۲۸-موانع در فرآیندهای اداری اخذ مجوزهای کسب‌وکار در دستگاه‌های اجرایی

آیا ارز ترجیحی به هدف اصابت نکرد؟

آمار رسمی و روند بازار طی پنج سال گذشته نشان می‌دهد به‌خلاف برخی ادعاها، سیاست‌های ارزی همواره نقش مستقیم و فوری در افزایش قیمت‌ها داشته‌اند و هر بار که نرخ ارز مرجع تغییر کرده، موج تورمی قابل توجهی در کشور شکل گرفته است.

در حالی که رئیس سازمان برنامه و بودجه اخیراً در صحن مجلس شورای اسلامی از ناکارآمدی تخصیص ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و احتمال حذف آن در بودجه سال آینده خبر داد، بررسی داده‌های رسمی تورم و رفتار بازار ارز طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد هرگونه تغییر در سیاست ارزی بلافاصله در قیمت کالاهای اساسی منعکس می‌شود و ادعای «اصابت نکردن ارز ترجیحی به کالاهای هدف» نیازمند بازنگری کارشناسی دقیق‌تر است.

رئیس سازمان برنامه و بودجه در جلسه علنی مجلس با اشاره به عدم کارآمدی ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در کنترل قیمت‌ها گفت: «برای واردات برنج ارز ۲۸۵۰۰ می‌دهیم تا برنج ۶۰ هزارتومانی به دست مردم برسد اما قیمت آن در بازار تا ۱۵۰ هزار تومان افزایش یافته است.» وی همچنین تأکید کرد که افزایش مصرف نهاده‌ها در تولید مرغ نشان‌دهنده عدم اصابت حمایت ارزی به تولید است.

این اظهارات، در حالی که در آن نشانه‌هایی از تصمیم دولت برای حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در بودجه سال آینده دیده می‌شود، بار دیگر این پرسش را مطرح کرده است؛ آیا واقعاً ارز ترجیحی اثربخش نبوده یا ضعف نظارت و تغییرات مکرر در سیاست ارزی مانع تحقق اهداف آن شده است؟ بررسی روند تورم ماهانه و نقطه‌به‌نقطه نشان می‌دهد هرگاه نرخ ارز مرجع یا نیمایی تغییر کرده، اثر آن بلافاصله در قیمت‌ها آشکار شده است.

سال ۱۳۹۸

در بهار ۹۸، سیاستگذار نرخ ارز نیمایی حدود ۱۲ هزار تومان را جایگزین ارز ۴۲۰۰ تومانی برای قیمت‌گذاری محصولات پتروشیمی در بورس کالا کرد. همان دوره شاهد افزایش محسوس قیمت محصولات پایه و رشد تورم ماهانه بودیم.

سال ۱۳۹۹

در سال ۹۹، قند و شکر و برنج از شمول ارز ۴۲۰۰ خارج شدند و هم‌زمان نرخ نیما از حدود ۹ هزار تومان به محدوده ۲۵ هزار تومان افزایش یافت، نتیجه این تغییر سیاست ارزی، افزایش شدید قیمت همان کالاها و اثرگذاری روی سطح عمومی قیمت‌ها بود.

اردیبهشت و خرداد ۱۴۰۱

اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۱ نقطه عطف سیاست ارزی بود؛ جایی که ارز ۴۲۰۰ تومانی برای روغن و نهاده‌های دامی حذف شد و نرخ ارز رسمی به حدود ۲۵ هزار تومان نزدیک شد، درست در همان بازه، تورم ماهانه خرداد ۱۴۰۱ به حدود ۱۲ درصد رسید؛ یکی از رکوردهای تاریخی تورم ماهانه کشور.

پس از آن، ارز ۲۸۵۰۰ تومانی ایجاد شد و کنار آن نرخ نیمایی به حوالی ۳۸۵۰۰ تومان تعیین شد؛ اما نرخ ارز آزاد تا حدود ۵۰ هزار تومان جهش کرد.

پاییز ۱۴۰۲

در پاییز ۱۴۰۲ نرخ ۳۷۵۰۰ تومان برای قیمت‌گذاری مواد اولیه در بورس کالا جایگزین نرخ ۲۸۵۰۰ شد، این تغییر نیز هم‌زمان با افزایش تدریجی تورم تولید و رشد قیمت کالاهای صنعتی مشاهده شد.

بهار ۱۴۰۴

در بهار سال جاری نیز ارز ۲۸۵۰۰ برای برخی اقلام اساسی مانند حبوبات و قند حذف شد و نرخ این کالاها به ارز نیمایی متصل شد. نرخ نیما در این فاصله پله‌پله از کانال ۴۵ هزار تومان تا حدود ۷۰ هزار تومان حرکت کرد و نتیجه آن، رشد مجدد قیمت کالاهای مشمول بود.

هم‌زمان، بازار جدیدی تحت عنوان بازار دوم برای تأمین ارز برخی کالاهای نهایی مانند موبایل، لپ‌تاپ و قطعات CKD شکل گرفت؛ بازاری که نرخ آن reportedly به مرز ۱۰۰ هزار تومان رسیده است.

روند تورم ماهانه و نقطه به نقطه

هرگاه نرخ ارز ترجیحی با جهشی مواجه شده، بلافاصله تأثیر آن در تورم ماهانه مشهود است. نکته دیگر اینکه معمولاً جهش نرخ ارز رسمی درنهایت شوکی به نرخ ارز غیررسمی داده و این اجازه را به سیاست‌گذار نداده است که نرخ ارز را یکسان کند.

با حذف ارز ترجیحی قیمت اقلام خوراکی بین ۵۰ تا ۱۲۰ درصد افزایش یافته است

حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی که طی دو سال گذشته مبنای واردات کالاهای اساسی و نهاده‌های دامی بود، در ماه‌های اخیر اثر خود را به‌صورت آشکار در بازار نشان داده است. جدول مقایسه قیمت کالاها در بازه زمانی پیش و پس از حذف این ارز نشان می‌دهد که نرخ بسیاری از اقلام خوراکی بین ۵۰ تا ۱۲۰ درصد افزایش یافته است.

این مرور نشان می‌دهد:

۱.هر بار که ارز ترجیحی حذف یا نرخ مرجع دگرگون شده است، تورم جهشی رخ داده است.
۲.به خلاف اظهاراتی که می‌گویند نرخ ارز طی سال‌های گذشته تثبیت شده است، واقعیت آن است که سیاست تثبیت اجرا نشده است و نرخ‌های متعدد و متغیر جایگزین شده‌اند.
۳.تعدد نرخ ارز و تغییرات پی‌درپی سیاست‌ها نه تنها مانع تورم نشده، بلکه بی‌ثباتی و رانت‌های جدید ایجاد کرده است.

بنابراین، نتیجه‌گیری مبنی بر اینکه «ارز ترجیحی به هدف اصابت نکرد» بدون ارائه داده‌های مربوط به زنجیره تأمین، قاچاق معکوس، سودجویی واسطه‌ها و ضعف نظارت، ناقص و یک‌جانبه است. واقعیت این است که هرجا ارز ترجیحی حذف شده است، افزایش قیمت کالاهای اساسی بلافاصله رخ داده و فشار معیشتی بر اقشار ضعیف تشدید شده است.

جمع‌بندی و توصیه سیاستی

پیش از حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی از بودجه ۱۴۰۵ لازم است:

۱.سامانه‌های نظارتی و زنجیره توزیع شفاف شود؛
۲.نظام تعرفه‌ای و تجاری اصلاح گردد؛
۳.پیامدهای رفاهی و تورمی سیاست روشن‌سازی شود؛ تا تجربیات تلخ سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تکرار نشود،

به بیان دیگر، مقصر جلوه دادن ارز ترجیحی بدون اصلاح ساختار بازار و نظارت، تکرار چرخه‌ای است که تاکنون چند بار تجربه و هزینه‌زایی شده است.

هشدار درباره موج جدید واردات غیررسمی پارچه

با وجود کاهش واردات رسمی پارچه در نیمه نخست ۱۴۰۴، رشد ورود غیررسمی این کالا از مسیرهای ته‌لنجی زنگ خطر تازه‌ای برای صنعت نساجی کشور به صدا درآورده است.

افزایش واردات پارچه در سال‌های اخیر به یکی از جدی‌ترین چالش‌های صنعت نساجی کشور تبدیل شده است. تولیدکنندگان داخلی می‌گویند ورود بی‌رویه پارچه‌های خارجی با قیمت پایین، بازار داخلی را اشباع کرده و موجب رکود، کاهش فروش و حتی تعطیلی شماری از کارخانجات نساجی در استان‌هایی مانند اصفهان، یزد و مازندران شده است.

آمارها نشان می‌دهد واردات پارچه در سال ۱۴۰۳ به حدود ۹۷۰ میلیون دلار رسید؛ رقمی که بیش از سه برابر میانگین سال‌های پیش از آن است. این در حالی است که میانگین واردات پارچه در سال ۱۴۰۰ حدود ۳۰۰ میلیون دلار اعلام شده بود. در پی افزایش چشمگیر واردات، سازمان بازرسی کل کشور در اسفندماه ۱۴۰۳ تأکید کرد که واردات پارچه در سال ۱۴۰۴ نباید از ۳۰۰ میلیون دلار فراتر رود. در همین راستا، وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز با هدف کنترل روند واردات، اقدام به بازنگری در سیاست‌های ترخیص کالا کرد. در همین زمینه، ابراهیم شیخ، معاون صنایع عمومی وزارت صمت در اول اردیبهشت ۱۴۰۴ طی نامه‌ای به سازمان توسعه تجارت ایران خواستار توقف ترخیص ۹۰ درصدی پارچه‌های نساجی شد تا از ورود گسترده این کالاها جلوگیری شود. در پی این دستور، دفتر مقررات صادرات و واردات سازمان توسعه تجارت نیز در ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ با صدور بخشنامه‌ای به گمرک کشور، حذف ردیف تعرفه‌های مربوط به پارچه از فهرست ترخیص ۹۰ درصدی را ابلاغ کرد.

اجرای این سیاست‌ها موجب شد واردات رسمی پارچه در شش‌ماهه نخست سال ۱۴۰۴ به حدود ۲۱۰ میلیون دلار کاهش یابد؛ در حالی که در مدت مشابه سال گذشته این رقم ۴۴۰ میلیون دلار بود. کاهش واردات رسمی را می‌توان نشانه‌ای از اثرگذاری اولیه تصمیمات کنترلی دولت دانست. با این حال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که بخشی از واردات پارچه به مسیرهای غیررسمی و ته‌لنجی منتقل شده است.

براساس گزارش‌های موجود، از مجموع ۶۰۰ میلیون دلار کالایی که طی امسال از طریق ته‌لنجی وارد کشور شده، حدود ۲۰۵ میلیون دلار آن مربوط به پارچه‌های نساجی بوده است. کارشناسان می‌گویند این نوع واردات، که بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی انجام می‌شود، عملاً رقابتی نابرابر میان تولیدکنندگان داخلی و واردکنندگان غیررسمی ایجاد کرده است. این موضوع ضمن کاهش توان رقابتی کارخانجات ایرانی، درآمدهای گمرکی کشور را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد.

به باور فعالان صنعت نساجی، اگرچه کاهش واردات رسمی گام مثبتی در مسیر حمایت از تولید داخلی است، اما عدم کنترل بر واردات غیررسمی می‌تواند اثر سیاست‌های حمایتی دولت را خنثی کند. آنان خواستار ساماندهی جدی مبادی ته‌لنجی و مقابله با ورود بی‌ضابطه پارچه‌های خارجی هستند تا صنعت نساجی کشور بتواند مجدداً جایگاه خود را در بازار داخلی بازیابد.

اخبار

جزئیات سؤال از وزیر اقتصاد درباره تخلفات کارگروه بازگشت ارز

در متن سؤال عضو کمیسیون اقتصادی از وزیر اقتصاد به پرونده قاچاق مس با اظهارنامه جعلی آلیاژ برنج در یکی از گمرکات شمال کشور اشاره کرده و از وزیر اقتصاد خواسته است گزارشی از نتیجه بررسی و رسیدگی به این پرونده ارائه کند.
سؤال حسین صمصامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس از وزیر امور اقتصادی و دارایی درباره نحوه عملکرد و تصمیمات «کارگروه بازگشت ارز» روز سه‌شنبه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی اعلام وصول شد. در متن این سؤال که بر پایه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب بهمن ۱۴۰۰ و آیین‌نامه اجرایی مصوب آذر ۱۴۰۱ هیات دولت تنظیم شده، آمده است که طبق ماده (۲) آیین‌نامه مذکور، کارگروهی با عنوان «کارگروه بازگشت ارز» تشکیل شده که وزیر اقتصاد یا نماینده وی نیز عضو آن است.

تغییر حد بازگشت ارز؛ برخلاف قانون؟

نماینده سؤال‌کننده در بند نخست، به مصوبه‌ای خلاف ماده (۸) آیین‌نامه اشاره کرده و پرسیده است: چرا در حالی که قانون، صادرکننده را مکلف به بازگرداندن ۱۰۰ درصد ارز صادراتی کرده، در مصوبه‌ای که از سوی کارگروه ابلاغ شده، حد آستانه بازگشت ارز تنها ۶۰ درصد اعلام گردیده است؟
وی در ادامه افزوده است: این تصمیم برخلاف نص صریح قانون بوده و موجب تضییع حقوق عمومی و تضعیف بازگشت منابع ارزی کشور شده است.

ابهام در وجه‌المصالحه ۵۵۰ تومانی برای هر یورو

در بخش دوم سؤال، عضو کمیسیون اقتصادی با استناد به ماده (۲۱) آیین‌نامه اجرایی یادآور شده است که کارگروه مکلف بود ظرف سه ماه پس از ابلاغ آیین‌نامه، درباره تعهدات ارزی صادرکنندگان سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ تعیین تکلیف کند.
وی تصریح کرده است که این مهلت در موعد مقرر سپری شده و براساس قانون، کارگروه پس از آن حق تصمیم‌گیری نداشته است. با این حال، در تاریخ اول خرداد ۱۴۰۳ یعنی یک سال و سه ماه پس از پایان مهلت قانونی، کارگروه بازگشت ارز مصوبه‌ای صادر کرده که به موجب آن، صادرکنندگانی که در سال ۱۳۹۷ تعهد ارزی خود را ایفا نکرده‌اند، می‌توانند با پرداخت تنها ۵۵۰ تومان برای هر یوروی بازنگشته رفع تعهد کنند! نماینده مجلس در سؤال خود تأکید کرده است که چنین اقدامی فاقد وجاهت قانونی است و باید پاسخ روشنی در این زمینه از سوی وزیر اقتصاد ارائه شود.

تخلف در بازگشت ارز پتروشیمی‌ها و فولادی‌ها

در محور سوم سؤال، نماینده تهران به تخلفات گسترده در بازگشت ارز صادراتی صنایع بزرگ از جمله پتروشیمی، فولاد، فلزات اساسی و فرآورده‌های نفتی اشاره کرده است. مطابق ماده (۸) آیین‌نامه، این واحدها مکلف بوده‌اند ۱۰۰ درصد ارز حاصل از صادرات خود را به چرخه اقتصادی بازگردانند و تنها با مجوز کارگروه می‌توانسته‌اند بخشی از آن را صرف واردات مواد اولیه کنند. اما برخلاف این حکم، کارگروه بازگشت ارز فهرست تعرفه‌های مشمول را به‌صورت قطره‌چکانی و با فواصل چندماهه اعلام کرده است؛ اقدامی که، زمینه بروز تخلفاتی نظیر عدم رفع تعهد ارزی و قاچاق سازمان‌یافته را فراهم کرده است. لازم به ذکر است، صادرات محصولات مسی و فولادی، موجب خروج سالانه صدها میلیون دلار ارز از کشور و واردات کالاهای لوکس مانند گوشی آیفون شده است.

ابهام در انتقال ارز صادراتی به تالار دوم

در بخش دیگر سؤال، این نماینده مجلس به نامه‌ای مورخ ۲۳ شهریور ۱۴۰۴ از سوی مشاور عالی وزیر اشاره کرده که طی آن پیشنهاد شده بود بخشی از کالاهای مشمول بند یک ماده (۸) آیین‌نامه، به دلیل عدم تمایل صادرکنندگان به عرضه ارز با نرخ ۷۰ هزار تومان در تالار اول، به تالار دوم منتقل شوند تا صادرکنندگان بتوانند ارز خود را با نرخ بالاتر ۸۶ هزار تومان به فروش برسانند. صمصامی از وزیر اقتصاد خواسته است توضیح دهد آیا این پیشنهاد در کارگروه بازگشت ارز به تصویب رسیده یا خیر و در صورت تصویب، مبنای قانونی آن چیست. در پایان، نماینده سؤال‌کننده به پرونده قاچاق مس با اظهارنامه جعلی آلیاژ برنج در یکی از گمرکات شمال کشور اشاره کرده است.

حل مشکل صف وام ازدواج با معاف شدن از سیاست کنترل ترازنامه

در برنامه «میز اقتصاد» شبکه خبر، سید محمد نبی‌زاده کارشناس پولی و بانکی، با اشاره به تداوم صف وام ازدواج و فرزند گفت: مطابق آمار بانک مرکزی در انتهای شهریورماه حدود یک میلیون نفر در صف وام ازدواج و فرزند هستند که پیش‌بینی می‌شود تا آخر سال به یک و نیم میلیون نفر برسند. علت اصلی طولانی شدن صف‌ها اجرای سیاست کنترل مقداری ترازنامه است که انگیزه بانک‌ها را برای پرداخت وام‌های کم‌بهره کاهش داده است. معاف کردن این وام‌ها از محدودیت‌های ترازنامه و استفاده از آزادسازی ذخایر قانونی یا خط اعتباری بانک مرکزی، می‌تواند به بهبود شرایط کمک کند. سید محمد نبی‌زاده کارشناس پولی و بانکی، در برنامه «میز اقتصاد» شبکه خبر درباره مشکلات صف وام ازدواج و فرزند نکاتی را مطرح کرد. وی در ابتدا با اشاره به آمار متقاضیان گفت: در پایان سال ۱۴۰۳ حدود ۷۰۰ هزار نفر متقاضی وام ازدواج و فرزند، موفق به دریافت تسهیلات خود در آن سال نشده‌اند و این افراد به صف متقاضیان سال ۱۴۰۴ افزوده شده‌اند. به این ترتیب، اگر سالانه در حدود دو میلیون نفر خواهان دریافت این وام‌ها باشند، شمار متقاضیان در سال ۱۴۰۴ به دو میلیون و هفتصد هزار نفر خواهد رسید.

هشدار کارشناسان درباره لزوم کاهش صف وام ازدواج جدی گرفته نشد

این کارشناس اقتصادی اظهار کرد: در قانون بودجه سال ۱۴۰۴ مجلس شورای اسلامی، عدد ۳۵۰ همت برای مجموع تسهیلات قرض‌الحسنه در نظر گرفته شده بود، اما هیات نظارت مجمع تشخیص مصلحت نظام برخلاف گزارش‌های کارشناسی منتشرشده، این رقم را به ۲۷۵ همت کاهش داد. او افزود: در زمان تصویب این رقم، کارشناسان هشدار داده بودند که با توجه به تعداد بالا و روند افزایشی متقاضیان، چنین محدودیتی موجب طولانی‌تر شدن صف‌های وام ازدواج و فرزند خواهد شد؛ تا جایی که برخی حتی صفی دو میلیونی را برای پایان سال ۱۴۰۴ پیش‌بینی کرده‌اند. نبی‌زاده ادامه داد: براساس آمار شهریورماه ۱۴۰۴ بانک مرکزی، حدود یک میلیون نفر در صف وام ازدواج و فرزند هستند و حدوداً تنها ۷۰۰ هزار نفر موفق به دریافت آن شده‌اند. با ادامه این روند و اضافه شدن متقاضیان جدید، پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال صفی معادل یک‌ونیم میلیون نفر شکل گیرد که می‌تواند باعث نارضایتی اجتماعی گسترده شود. وی در ادامه توضیح داد: پیش از سال ۱۴۰۱، مشکلات صف این وام‌ها چندان حاد نبود؛ اما با اجرای سیاست کنترل مقداری ترازنامه در شبکه بانکی، محدودیت‌های قابل‌توجهی ایجاد شد. با توجه به روش سیاست در پایش مانده ترازنامه، کنترل مقداری موجب کاهش انگیزه بانک‌ها برای اعطای تسهیلات چهاردرصدیِ بلندمدت شد، زیرا چنین وام‌هایی تا ده سال در ترازنامه بانک‌ها باقی می‌مانند.

سیاسی

«دو عضو کمیته گزارشگران حقوق بشر به محاربه متهم شدند»

۰۶/بهمن/۱۳۸۸

مهرداد رحیمی (راست) و کوهیار گودرزی

کمیته گزارشگران حقوق بشر در ایران اعلام کرده که کوهیار گودرزی، روزنامه نگار ، و مهرداد رحیمی دو نفر از اعضای بازداشت شده این کمیته به «محاربه» متهم شده اند.

فامیل‌بازی به وزارت نفت رسید

گزارش

شرکت ملی صنایع پتروشیمی (NPC) یکی از کلیدی‌ترین بازوهای وزارت نفت است؛ جایی که تصمیم‌هایش سرنوشت تجارت میلیاردی محصولات پتروشیمی ایران را در شرایط تحریم و جنگ اقتصادی رقم می‌زند. اما درست در میانه این شرایط حساس، انتصابی در سکوت انجام شد که حالا تبدیل به یکی از بحث‌برانگیزترین پرونده‌های مدیریتی دولت شده است.
مهرداد رحیمی ممقانی، فردی با مدرک کارشناسی و کارشناسی ارشد حقوق از دانشگاه آزاد، بدون سابقه در صنعت پتروشیمی، اما با نسبت فامیلی نزدیک با شهرام دبیری (معاون معزول پارلمانی دولت چهاردهم)، با حکم مستقیم وزیر نفت به عضویت هیات‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی منصوب شد. انتصابی که حالا از سوی نمایندگان مجلس، نهادهای نظارتی به‌عنوان نمونه‌ای عیان از نقض شایسته‌سالاری و تعارض منافع شناخته می‌شود.

از کمیته گزارشگران حقوق بشر تا هیات‌مدیره NPC

بررسی سوابق مهرداد رحیمی ممقانی نشان می‌دهد مسیر او به هیچ وجه با مسیر متعارف مدیران صنعت پتروشیمی هم‌خوان نیست. او نه سابقه‌ای در مجتمع‌های پتروشیمی دارد، نه سابقه فعالیت فنی یا اقتصادی در زنجیره ارزش انرژی. سابقه او کاملاً سیاسی است. مثلاً در دوران دانشجویی، بازداشت شده و عضو «کمیته گزارشگران حقوق بشر» بوده و اتهامات امنیتی از جمله «تبلیغ علیه نظام» و «محاربه» داشته که در رسانه‌های خارجی نیز بازتاب یافته است.
حال پرسش اساسی این است: فردی با چنین پیشینه‌ای و بدون تجربه تخصصی در صنعت انرژی، چگونه به ریاست امور بین‌الملل و سپس عضویت هیات‌مدیره شرکت ملی صنایع پتروشیمی رسیده است؟

اساسنامه چه می‌گوید؟

طبق ماده ۴ اساسنامه شرکت ملی صنایع پتروشیمی، اعضای هیات‌مدیره باید دست‌کم ۱۰ سال سابقه خدمت در صنعت پتروشیمی یا ۵ سال سابقه در مسئولیت‌های کلیدی این صنعت را داشته باشند. اما مطابق اسناد موجود، رحیمی ممقانی فاقد هرگونه سابقه مرتبط در این حوزه است.
درواقع، تنها سابقه شناخته‌شده او، حضور در معاونت پارلمانی ریاست جمهوری و همکاری با شهرام دبیری بوده است. در این میان، هیچ گزارشی از تجربه فنی، مدیریتی یا حتی آموزشی او در حوزه انرژی وجود ندارد. این مسئله باعث شده نهادهای نظارتی از جمله دیوان محاسبات کشور از وزیر نفت خواستار توضیح رسمی شوند اما تا لحظه تنظیم این گزارش، هیچ پاسخی از سوی وزارت نفت ارائه نشده است.

حلقه فامیلی، کلید انتصاب

به گفته منابع نزدیک به وزارت نفت، انتصاب رحیمی ممقانی نه از مسیر رسمی اداری بلکه با فشار مستقیم برخی نهادهای خارج از وزارت نفت صورت گرفته است.

واکنش‌های رسمی و سکوت وزارت نفت

واکنش‌ها به این انتصاب ابتدا از فضای مجازی شروع شد اما خیلی زود موضوع به مجلس شورای اسلامی کشیده شد. محمد امیر، عضو کمیسیون اصل نود قانون اساسی در گفت‌وگو با باشگاه خبرنگاران جوان تأکید کرد: «اگر کسی در سطح ملی منصوب شود و اتهاماتی مانند محاربه یا ضد نظام داشته باشد، چنین انتصابی غیرقانونی است. در صورت اثبات، مجلس باید از بعد نظارتی ورود کند».
همچنین امیرحسین ثابتی، نماینده مجلس در صحن علنی، به‌طور رسمی از وزیر نفت خواست تا در مورد صحت استعلام‌های امنیتی و تخصصی این انتصاب توضیح دهد. اما با گذشت چند هفته، پاسخی از سوی وزارت نفت یا دفتر معاون اول رئیس جمهور ارائه نشده است. این سکوت، پرسش برانگیزتر از خود انتصاب بوده و رحیمی ممقانی نیز از جایش تکان نخورده است.

کارشناسان حوزه انرژی معتقدند که پیامد چنین انتصاب‌هایی تنها در سطح مدیریتی باقی نمی‌ماند. وقتی در جایگاه حساس «امور بین‌الملل پتروشیمی»، فردی غیرمتخصص می‌نشیند، درواقع امنیت اقتصادی کشور و منافع ملی در معرض خطر قرار می‌گیرد. چند اثر مستقیم این نوع انتصاب‌ها عبارت است از:
کاهش اعتماد شرکای خارجی به سیستم تصمیم‌گیری انرژی ایران؛
احتمال بروز خطا در قراردادهای صادراتی و قیمت‌گذاری محصولات؛
نفوذ غیرتخصصی در سیاست‌گذاری‌های کلان پتروشیمی؛
تضعیف جایگاه کارشناسی وزارت نفت در برابر نهادهای غیرمرتبط
یک کارشناس سابق شرکت ملی نفت در گفت‌وگو با خبرنگار ما می‌گوید: وقتی فردی بدون سابقه تخصصی در جایگاه امور بین‌الملل می‌نشیند، تمام مسیر دیپلماسی انرژی کشور تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. چنین انتصاب‌هایی در شرایط تحریم، می‌تواند عملاً فاجعه‌بار باشد.

پرونده‌ای برای نهادهای نظارتی

پرونده رحیمی ممقانی حالا فراتر از یک اختلاف رسانه‌ای است و با توجه به استنادهای قانونی، نهادهای نظارتی کشور مکلف به بررسی آن هستند. دیوان محاسبات کشور و سازمان بازرسی کل کشور به استناد مواد ۵۹ قانون مدیریت خدمات کشوری و ۲۳ قانون محاسبات عمومی، می‌توانند از مقام صادرکننده حکم (وزیر نفت) درباره روند استعلام‌ها و مدارک تخصصی سؤال کنند.
بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد هیچ گزارشی از تأیید صلاحیت تخصصی یا امنیتی وی در سامانه‌های رسمی دولت ثبت نشده است. در صورت تأیید این مسئله، صدور حکم عضویت هیات‌مدیره برای فردی فاقد شرایط، تخلف اداری و قابل پیگرد تلقی خواهد شد.

چرا سکوت ادامه دارد؟

یکی از سؤالات کلیدی این پرونده، چرایی سکوت وزارت نفت و شخص وزیر در برابر پرسش‌های نمایندگان است. برخی تحلیلگران معتقدند که سکوت وزارتخانه ناشی از فشارهای سیاسی بیرونی است اما وزیر نفت نیز در برابر این فشارها مقاومتی نشان نداده است.
این در حالی است که در اساسنامه NPC، مسئولیت نهایی تمام انتصابات بر عهده شخص وزیر است و در صورت بروز تخلف، وی نمی‌تواند با استناد به «فشار بیرونی» از مسئولیت مبرا شود.

دوگانه تقوا و تخصص؛ پایان یک ارزش اداری؟

در دهه‌های گذشته همواره بحث بر سر «تخصص یا تعهد» در مدیریت کشور مطرح بوده است. اما پرونده اخیر نشان می‌دهد که در برخی سطوح اجرایی، نه تخصص باقی مانده و نه حتی معیارهای اولیه تقوا و صلاحیت اخلاقی.
کاربران در شبکه‌های اجتماعی با طعنه نوشته‌اند:
«دولت نهج‌البلاغه‌خوان‌ها ظاهراً از دعوای تقوا و تخصص عبور کرده؛ نه خبری از تخصص هست و نه اثری از تقوا»
چنین جملاتی گرچه طعنه‌آمیز است، اما بازتاب‌دهنده واقعیتی تلخ است: تضعیف اعتماد عمومی به سلامت ساختار انتصابات در بخش‌های حساس اقتصادی کشور.

مطالبه شفافیت

با توجه به موج گسترده پرسش‌ها از سوی افکار عمومی و رسانه‌ها، انتظار می‌رود وزارت نفت و نهاد ریاست جمهوری به‌صورت رسمی نتایج استعلام‌ها، سوابق تحصیلی و دلایل انتصاب رحیمی ممقانی را منتشر کنند. در غیر این صورت، این پرونده می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای از نقض شفافیت و تخلف اداری در سطح ملی در دستور کار کمیسیون اصل نود و کمیسیون انرژی مجلس قرار گیرد.
آزمون شایسته‌سالاری در دولت فعلی
پرونده مهرداد رحیمی ممقانی تنها یک انتصاب نیست؛ بلکه آزمونی برای دولت و نظام اداری کشور است تا نشان دهد، آیا شعار شایسته‌سالاری در مدیریت همچنان معنا دارد یا نه.
در شرایطی که کشور درگیر تحریم، کمبود منابع و فشارهای خارجی است، هر صندلی مدیریتی باید در اختیار متخصص‌ترین نیروها باشد. اما وقتی روابط خانوادگی و سیاسی جای تخصص و صلاحیت را می‌گیرد، باید منتظر تضعیف نه‌تنها ساختار مدیریتی، بلکه اعتماد عمومی هم بود. اکنون همه نگاه‌ها به نهادهای نظارتی و مجلس دوخته شده است تا مشخص شود. آیا در برابر چنین تخلف آشکاری، سکوت ادامه خواهد داشت یا نه.
جالب آن‌که مسعود پزشکیان در مناظرات انتخاباتی خود، بارها از انتصاب افراد غیرمتخصص انتقاد کرده بود و در یکی از مناظرات تصریح کرد: «چرا افرادی را سر کار می‌گذاریم که کارشناس نیستند؟ کشور را باید با عقل و علم اداره کرد، نه با روابط و رفاقت» با این حال، انتصاب مهرداد رحیمی ممقانی، فردی فاقد سابقه در صنعت پتروشیمی و دارای مدرک غیرمرتبط، دقیقاً برخلاف همین شعار تخصص‌گرایی است. به نظر می‌رسد در دولت فعلی، شعار «کار را به کاردان بسپاریم» جای خود را به «کار را به خویشاوند بسپاریم» داده است، وضعیتی که تناقض میان گفتار انتخاباتی و عملکرد مدیریتی را بیش از پیش آشکار می‌کند.

> آزمون شایسته‌سالاری در دولت فعلی
> پرونده مهرداد رحیمی ممقانی تنها یک انتصاب نیست؛ بلکه آزمونی برای دولت و نظام اداری کشور است تا نشان دهد، آیا شعار شایسته‌سالاری در مدیریت همچنان معنا دارد یا نه

لزوم تغییر پارادایم از دور زدن به خنثی‌سازی تحریم‌ها

در شرایط بازگشت تحریم‌های فصل هفتم منشور ملل متحد، تحلیل دقیق تجربه اقتصاد ایران در مواجهه با فشارهای بین‌المللی و ترسیم نقشه راه گذار از دور زدن به خنثی‌سازی و رشد اقتصادی پایدار، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت استراتژیک انکارناپذیر است. اقتصاد ایران دهه‌هاست که با اشکال گوناگون این فشارها دست و پنجه نرم می‌کند و در طول این مسیر، مجموعه‌ای پیچیده از مکانیسم‌های دفاعی و تطبیقی را توسعه داده است. با این حال، درک عمیق این تجربه نشان می‌دهد که بقا لزوماً به معنای توسعه و پیشرفت نیست. تاب‌آوری حاصل از این سال‌ها، شمشیری دولبه بوده است: از یک سو، مانع از فروپاشی کامل اقتصادی در برابر شوک‌های سهمگین شده و از سوی دیگر، با نهادینه کردن ساختارهای ناکارآمد، ایجاد رانت‌های پنهان و تضعیف شفافیت، خود به مانعی جدی بر سر راه اصلاحات بنیادین اقتصادی بدل شده است. بررسی تحلیلی این مسیر، می‌تواند الزامات عبور از وضعیت فعلی را آشکار سازد.
تجربه تاریخی ایران در کاهش اثر تحریم‌ها، به‌ویژه در دهه اخیر و پس از اعمال کارزار فشار حداکثری، نمایشی از خلاقیت تاکتیکی در سطوح خرد و کلان بوده است. در بخش حیاتی انرژی، ایران با بهره‌گیری از ناوگان ارواح، خاموش کردن عامدانه سامانه‌های ردیابی (AIS)، عملیات پیچیده انتقال نفت کشتی به کشتی در آب‌های بین‌المللی و استفاده از کشورهای واسط به‌عنوان مراکز امتزاج و تغییر برند نفت خام، توانست بخش قابل توجهی از صادرات خود را حفظ کند. در حوزه مالی، با مسدود شدن دسترسی به شبکه سوئیفت با هدف انزوای سیستم بانکی، ایران به ناچار به سمت شبکه‌های مالی غیررسمی، سیستم‌های تهاتر، استفاده گسترده از شبکه‌های صرافی و حتی بهره‌گیری محدود از ارزهای دیجیتال سوق یافت. این ساختارهای موازی، اگرچه شریان حیاتی واردات کالاهای اساسی را باز نگه داشتند، اما شفافیت را قربانی کرده و هزینه‌های مبادله را افزایش دادند؛ هزینه‌ای که نهایتاً در قالب تورم به مصرف‌کننده نهایی تحمیل می‌شد.
مقایسه این تجربه با سایر موارد مشابه بین‌المللی، بسیار روشنگر است. تجربه روسیه پس از سال ۲۰۲۲، به دلیل مقیاس بسیار بزرگ‌تر اقتصاد، ذخایر ارزی عظیم انباشته‌شده پیش از جنگ و نقش حیاتی آن در بازارهای جهانی انرژی، متفاوت بود. مسکو با اجرای سیاست قلعه روسیه و چرخش سریع به سمت بازارهای آسیایی، توانست شوک اولیه را بسیار بهتر از آنچه تحلیلگران غربی پیش‌بینی می‌کردند، مدیریت کند. روسیه از تجربه انزوای بانکی ایران درس گرفته بود و پیشاپیش زیرساخت‌های پرداخت جایگزین (مانند SPFS و کارت‌های Mir) را توسعه داده بود. با این حال، هر دو کشور در بلندمدت با چالش مشترک زوال فناوری و کاهش بهره‌وری ناشی از قطع دسترسی به تکنولوژی‌های پیشرفته مواجه‌اند. در سوی دیگر طیف، تجربه ونزوئلا قرار دارد که نشان داد تحریم‌های خارجی زمانی که با سوءمدیریت شدید داخلی، فروپاشی نهادی و ابرتورم همراه شوند، می‌توانند به سادگی به یک فاجعه انسانی تمام‌عیار منجر شوند. ایران، برخلاف ونزوئلا، توانست به دلیل وجود یک بوروکراسی دولتی کارآمدتر، بخش خصوصی انعطاف‌پذیر و تجربه تاریخی طولانی‌تر در مدیریت بحران، از فروپاشی کامل جلوگیری کند. تجربه کوبا نیز که طولانی‌ترین رژیم تحریمی مدرن را تحمل کرده، حاکی از بقا در سطح پایین است؛ اقتصادی که زنده ماند اما برای دهه‌ها از رشد واقعی بازماند و به شدت به عواملی چون گردشگری و کمک‌های خارجی وابسته شد.
درسی که اقتصاد ایران از این سال‌ها آموخته، عمدتاً در حوزه مدیریت بقا بوده است، نه راهبری توسعه. ایران آموخت که می‌تواند بدون دسترسی به سیستم مالی غرب زنده بماند، نفت خود را بفروشد و کالاهای اساسی را تأمین کند. این دستاورد یک جنبه روانی مهم نیز داشت و آستانه تحمل جامعه را در برابر فشارهای اقتصادی به شکلی غیرمنتظره افزایش داد. با این حال، مشکل اساسی آنجاست که دور زدن تحریم به یک هدف فی‌نفسه تبدیل شد و از یک تاکتیک موقت به یک استراتژی دائمی تغییر ماهیت داد. این فرآیند، به طور سیستماتیک، منجر به ایجاد رانت‌های عظیم برای بازیگران خاصی (چه در بخش دولتی و چه خصوصی) شد که در شبکه‌های مبهم و غیرشفاف تجارت خارجی فعالیت می‌کردند. این ساختار رانتی، به نوبه خود، اکنون به یکی از موانع داخلی در برابر اصلاحات اقتصادی تبدیل شده است. گذار از این تله و نگریستن به افقی فراتر از دور زدن،

مستلزم یک تغییر پارادایم اساسی از بقا به خنثی‌سازی فعال و رشد درون‌زا است. این امر نیازمند مجموعه‌ای از راه‌حل‌های جزئی‌نگر و قابل اجراست که بر اصلاحات عمیق داخلی متمرکز باشند، نه صرفاً یافتن مسیرهای جدید و پیچیده‌تر برای فروش نفت. اولین و حیاتی‌ترین گام، مهار تورم مزمن از طریق انضباط پولی و مالی سخت‌گیرانه است. تحریم‌ها ذاتاً تورم‌زا هستند (عمدتاً از طریق شوک ارزی)، اما این سیاست‌های پولی داخلی (مانند تأمین کسری بودجه دولت از طریق استقراض از بانک مرکزی و رشد پایه پولی) است که این شوک موقت را به تورمی پایدار و دورقمی تبدیل می‌کند. استقلال واقعی بانک مرکزی و توقف قطعی تأمین مالی دولت از سیستم بانکی، پیش‌نیاز هرگونه ثبات اقتصادی است، حتی در سخت‌ترین شرایط تحریمی. بدون مهار تورم و ایجاد پیش‌بینی‌پذیری در اقتصاد کلان، هرگونه برنامه‌ریزی برای تولید و سرمایه‌گذاری بلندمدت بی‌معنا خواهد بود. دومین راه‌حل، تمرکز استراتژیک بر توسعه زنجیره ارزش به جای پافشاری بر سیاست جایگزینی واردات به هر قیمتی است. تجربه گذشته ایران، به‌ویژه در صنایعی مانند خودرو، نشان داده که سیاست جایگزینی واردات اغلب به تولید کالاهای نهایی بی‌کیفیت، گران و غیررقابتی منجر شده که صرفاً در پناه تعرفه‌های حمایتی بالا به حیات خود ادامه می‌دهند. در مقابل، خنثی‌سازی واقعی تحریم‌ها نیازمند سرمایه‌گذاری هدفمند در تولید کالاهای واسطه‌ای است که هم نیاز صنایع داخلی را با کیفیت مناسب تأمین کند و هم پتانسیل صادراتی در بازارهای منطقه‌ای داشته باشند. این امر مستلزم بازنگری جدی در سیاست‌های تجاری و ارزی است تا واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات برای بخش‌های مولد تسهیل شود، نه کالاهای لوکس یا نهایی مصرفی.
سومین محور ضروری، اصلاح فوری محیط کسب‌وکار است. تحریم‌ها به خودی خود هزینه تجارت با ایران را برای شرکای خارجی به شدت بالا می‌برد؛ بوروکراسی ناکارآمد داخلی، قوانین مخل و مکرر، و قیمت‌گذاری‌های دستوری نباید این هزینه را برای فعال اقتصادی داخلی و خارجی مضاعف کنند. مقررات‌زدایی و حذف فرآیندهای زائده و امضاهای طلایی، ارزان‌ترین و سریع‌ترین راه برای آزادسازی انرژی عظیم بخش خصوصی است. در شرایط تحریم، دولت باید از نقش یک متصدی مداخله‌گر به نقش یک تسهیل‌گر هوشمند تغییر موضع دهد و امنیت سرمایه‌گذاری داخلی را به صورت واقعی تضمین کند. چهارمین راه‌حل، تنوع‌بخشی واقعی به سبد صادراتی، فراتر از نفت خام و محصولات پتروشیمی پایه است. ایران باید به صورت فعال بر صادرات کالاهای تحریم‌ناپذیر یا حداقل تحریم‌گریز تمرکز کند. این حوزه شامل خدمات فنی و مهندسی، محصولات دانش‌بنیان (به‌ویژه نرم‌افزار و فناوری اطلاعات)، گردشگری سلامت (با توجه به مزیت نسبی قابل توجه در هزینه‌های پزشکی) و کشاورزی با ارزش افزوده بالا (مانند فرآوری گیاهان دارویی و محصولات ارگانیک) می‌شود. توسعه این بخش‌ها نیازمند دیپلماسی اقتصادی فعال برای گشایش بازارهای هدف، به‌ویژه در میان همسایگان و کشورهای عضو پیمان‌های منطقه‌ای مانند اتحادیه اقتصادی اوراسیا و سازمان همکاری شانگهای است.
پنجمین استراتژی کلیدی، توسعه زیرساخت‌های مالی مستقل اما کارآمد است. اتکا به صرافی‌ها و روش‌های غیررسمی، در بلندمدت ناپایدار، پرخطر و پرهزینه است. ایران باید سرمایه‌گذاری بسیار جدی‌تری بر ایجاد و تقویت پیمان‌های پولی دوجانبه با شرکای تجاری اصلی خود (مانند چین، روسیه، هند و ترکیه) و همچنین پیوستن فعالانه به پلتفرم‌های پرداخت جایگزین (مانند سیستم‌های در حال توسعه در چارچوب بریکس) نماید. این یک خنثی‌سازی استراتژیک است که وابستگی اقتصاد به دلار آمریکا را نه در سطح تاکتیکی (پیدا کردن راهی برای انتقال دلار)، بلکه در سطح سیستمی (حذف نیاز به دلار در مبادلات) کاهش می‌دهد.
بنابراین، راه برون‌رفت از این شرایط، نه در ابداع روش‌های پیچیده‌تر برای فروش منابع زیرزمینی یا مبادلات پنهان، بلکه در یک چرخش پارادایمی شجاعانه به درون و اجرای اصلاحات ساختاری عمیق نهفته است. اقتصاد ایران امروز بیش از آنکه نیازمند لغو تحریم‌ها از خارج باشد، به شجاعت و اراده سیاسی برای اصلاح در داخل نیازمند است. این اصلاحات، فراتر از سیاست‌های پولی و مالی کوتاه‌مدت برای مهار تورم، مستلزم بازتعریف بنیادین نقش دولت در اقتصاد، تضمین واقعی امنیت سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، برچیدن قاطعانه رانت‌های سیستمی، حاکمیت شفاف قانون در محیط کسب‌وکار و اولویت‌دهی مطلق به تولید واقعی و رقابت‌پذیر بر سفته‌بازی و دلالی است.
تجربه تاریخی به وضوح ثابت کرده است که هیچ کشوری صرفاً با دور زدن محدودیت‌های خارجی به توسعه و پیشرفت دست نیافته است. رشد اقتصادی پایدار، همواره محصول یک محیط کسب‌وکار رقابتی، شفاف و باثبات داخلی بوده که توانسته است منابع داخلی را به طور کارآمد بسیج کند. از این رو، کلید خروج از بحران فعلی و حرکت فراتر از کاهش اثر تحریم‌ها به سوی رشد اقتصادی، و این مهم نه در واشنگتن، بروکسل یا وین، بلکه در تهران و در گرو اراده ملی برای اجرای اصلاحات بنیادی اقتصادی است.

چارسوق
نبض اقتصاد را در دست بگیرید
■ پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۴۰۴ ■ ۱۵ جمادی الاول ۱۴۴۷ ■ ۶ November ۲۰۲۵ ■ سال دوم ■ شماره ۳۱۸
■ مدیر مسئول: مهدی مهرپور
■ چاپخانه: نگار نقش ■ تلفن: ۶۶۱۲۸۶۱۲ ■ روابط عمومی: ۰۹۲۱۳۹۰۹۰۶۹
■ کد پستی: ۱۴۱۹۹۷۳۱۶۸ ■ آدرس: خیابان آزادی - چهارراه فرصت - پلاک ۹۸ - طبقه ۶
Charsogh newspaper.com

اخبار

نگاهی متفاوت به اختلاف مالیاتی نفت

یک اختلاف مالیاتی یا نگرشی به قانون، بین شرکت ملی نفت ایران و سازمان امور مالیاتی وجود دارد که برابر با ۷۰۰ هزار میلیارد تومان یا به عبارتی ۷ میلیارد دلار است؛ سؤال اینجاست؛ با این رقم در نفت چه کارهایی می‌توان انجام داد؟

سازمان امور مالیاتی با استناد به قانون پایانه‌های فروشگاهی، حدود ۷۰۰ همت مالیات از محل فروش خوراک به پتروشیمی‌ها از شـــرکت ملی نفت ایران مطالبه کرده است، جنجالی که با توقیف مجموعاً بیش از ۴۱۹ هزار میلیارد تومان از مطالبات و اموال شرکت ملی نفت ایران و برداشت ۶ هزار میلیارد تومان (۶ همت) از حساب‌های این شرکت همراه شد؛ اگرچه سازمان امور مالیاتی اعلام کرد که «پس از اجرای این حکم (برداشت ۶ همت از حساب شرکت نفت) و صرفاً پس از چند ساعت، حساب شرکت ملی نفت باز شده است.»

این ۷۰۰ همت اگر به‌جای صرف در پروژه‌های توسعه‌ای صنعت نفت بخواهد به خزانه دولت وارد شود، درنهایت برای پرداخت حقوق، یارانه و هزینه‌های اداره دولت صرف خواهد شد، درواقع به‌معنای آن است که سهم توسعه پروژه‌های نفتی به‌خصوص در میادین مشترک که عدم‌النفع بهره‌برداری و توسعه روزانه آنها، چندین میلیون دلاری است؛ به هزینه‌های جاری دولت منتقل می‌شود.

اگر این ۷۰۰ همت در نفت بماند، چه کارهایی می‌توان با آن انجام داد؟

اگر هر دلار را ۱۰۰ هزار تومان (نزدیک به رقم فعلی) در نظر بگیریم، ۷۰۰ هزار میلیارد تومان برابر با ۷ میلیارد دلار می‌شود. با این رقم می‌توان حدود نیمی از پروژه مهم و استراتژیک فشارافزایی پارس جنوبی را اجرایی کرد، پروژه‌ای که از آن به‌عنوان اولویت اول صنعت نفت و گاز کشور یاد می‌شود و آن را واجب‌تر از نان شب به دلیل اثرگذاری در پایداری امنیت انرژی کشور می‌دانند.

براساس قرارداد طرح فشارافزایی پارس جنوبی، شرکت پتروپارس قرار است هاب‌های ۱ و ۷ را به‌ارزش حدود ۴٫۸ میلیارد دلار، قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا هاب‌های ۳ و ۶ به‌ارزش بیش از ۴٫۹ میلیارد دلار، شرکت مهندسی و ساختمان صنایع نفت (اویک) هاب‌های ۲ و ۵ به‌ارزش حدود ۴٫۸ میلیارد دلار و گروه مپنا (شرکت نیرپارس) هاب ۴ به‌ارزش بیش از ۲٫۳۶ میلیارد دلار را اجرا کنند، درمجموع ارزش قرارداد این هفت هاب حدود ۱۶٫۸۴ میلیارد دلار خواهد بود.

اگر این ۷ میلیارد دلار را در بخش‌های مختلف صنعت نفت تقسیم کنیم؛ به‌عنوان مثال می‌توان با ۲٫۸ میلیارد دلار از این ۷ میلیارد دلار، توسعه فازهای باقی‌مانده میدان‌های آزادگان، یادآوران، یاران و به عبارتی پروژه‌های غرب کارون را انجام داد و به افزایش تولید ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار بشکه‌ای نفت در روز رسید که این مقدار برابر با تأکید مصوبه شورای عالی اقتصاد با عنوان طرح ضربتی افزایش ظرفیت تولید نفت ایران است.

با حدود ۱٫۷ میلیارد دلار از این رقم می‌توان پروژه‌های ارتقای کمّی و کیفی پالایشگاه‌های اراک، تبریز و آبادان و یا پروژه‌های مهم پالایشی چون مهر خلیج فارس و آدیش جنوبی را تکمیل کرد که منجر به افزایش ظرفیت تولید بنزین و گازوئیل با استاندارد یورو ۵ می‌شود و تا حد زیادی ناترازی سوخت کشور و به‌تبع آن واردات بنزین و گازوئیل را کاهش می‌دهد.

با حدود ۱٫۴ میلیارد دلار آن می‌توان یک مجتمع پتروشـــیمی متوسط مقیاس از جمله واحدهای اتان کراکر، پلی اتیلن یا متانول احداث کرد و یا حتی صرف تکمیل واحدهای استراتژیک‌تر از جمله طرح‌های PDH کرد و به درآمدزایی ارزی محصولات پتروشیمی کشور و خودکفایی در تولید محصولات استراتژیک افزود.

با ۷۰۰ میلیون دلار در طرح‌های جمع‌آوری گازهای مشعل و تکمیل پروژه‌های NGL ســـرمایه‌گذاری کرد و با ۴۰۰ میلیون دلار آن در نوسازی سیستم‌های کنترل، پایش دیجیتال، ایمنی و محیط زیست صنعت نفت، پروژه‌های متعددی را به‌مدار بهره‌برداری وارد کرد که در راستای افزایش بهره‌وری، کاهش حوادث و ریسک عملیاتی خواهد بود.

نمونه‌ای از نتایج سرمایه‌گذاری ۷۰۰ همتی یا همان ۷ میلیارد دلاری در صنعت نفت کشور در بخش‌های مختلف در جدول زیر ارائه‌شده است؛

اگرچه به نظر می‌رسد سازمان امور مالیاتی، معاف کردن شرکت ملی نفت را از این قاعده (قانون پایانه‌های فروشگاهی) آسیب‌زننده به اصل شفافیت مالی می‌داند؛ اما درآمدهای فروش نفت و خوراک درنهایت به حساب خزانه واریز می‌شود و دولت همان صاحب مالیات است، با این تفاوت که در اینجا می‌توان سهم توسعه‌ای نفت را از درآمدها زنده کرد، نه‌آنکه صرف بودجه جاری دولت و جبران ناترازی بودجه‌ای شود.

به نظر می‌رسد این اختلاف دیدگاه بین دو نهاد حاکمیتی یعنی شرکت ملی نفت ایران و سازمان امور مالیاتی، نیازمند ورود جدی هیات وزیران است تا پولی که باید صرف توسعه صدها پروژه عقب‌مانده در صنعت نفت و گاز شود، خرج بودجه جاری دولت نشود.

خطر احتمالی کمبود لبنیات و گوشت با شیوع تب برفکی

گزارش

بی‌توجهی به هشدارها درباره شیوع تب برفکی، برخی دامداری‌های کشور را گرفتار بحرانی کرده که از مرزهای غربی آغاز شد و کمبود احتمالی برخی مواد لبنی در آینده سفره مردم را تهدید می‌کند.

اپیدمی ویروس تب برفکی کـــه این روزها در بخش‌های مختلف کشور در حال گسترش اســـت، دامداران را در شرایطی بحرانی قرار داده است.

این ویروس به گفته کارشناسان، از گوشت‌های آلوده وارداتی منشأ گرفته؛ محموله‌هایی که به دلیل بی‌کیفیتی از ورود به عراق بازگردانده شدند و پس از ورود مجدد به کشور، موج آلودگی را از استان تهران آغاز کردند. اکنون دامداری‌های البرز، قزوین، قم، سمنان و مرکزی نیز درگیر این ویروس مهاجم شده‌اند.

هشدارهای جهانی و کم‌کاری داخلی

سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) از ماه‌ها قبل هشدار داده بود که ویروس تب برفکی در حال تبدیل شدن به مخزن منطقه‌ای در خاورمیانه است و خطر سرایت آن به کشورهای همسایه از جمله ایران بسیار بالاست.

با این وجود، به گفته تشکل‌های دامداری و کارشناسان، مقررات قرنطینه‌ای و کنترلی در مرزها به‌درستی اجرا نشد و ورود دام، فرآورده‌های گوشتی و گوشت‌های آلوده کنترل نگردید. نتیجه آن، ورود ویروسی بود که اکنون بخش بزرگی از گله‌های مولد کشور را تهدید می‌کند.

بحران واکسن و پرسش از کارایی واکسیناسیون

پس از اعلام هشدارهای بین‌المللی، تشکل‌های دامپروری از وزارت جهاد کشاورزی و سازمان دامپزشکی خواستند که واکسن تب برفکی به‌موقع تأمین شود؛ اما تولید داخلی واکسن با تأخیر انجام شد و توزیع نیز به‌درســـتی صورت نگرفت.

در برخی دامداری‌ها، دام‌ها یا واکسن دریافت نکردند، یا پس از واکسیناسیون هم مبتلا شدند؛ موضوعی که شبهه درباره کیفیت و تطابق واکسن‌های توزیعی با ســـویه ویروس در گردش را تقویت کرده است.

کارشناســـان تأکید دارند که نمونه‌برداری و تیپ‌شناسی ویروس برای تعیین نوع دقیق سویه انجام نشده و این ضعف، کنترل علمی اپیدمی را دشوار کرده است.

> سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) از ماه‌ها قبل هشدار داده بود که ویروس تب برفکی در حال تبدیل شدن به مخزن منطقه‌ای در خاورمیانه است و خطر سرایت آن به کشورهای همسایه از جمله ایران بسیار بالاست

خسارت‌های سنگین و نابودی ذخایر ژنتیکی

دامداران می‌گویند در استان‌های درگیر، بیش از ۲۰ هزار رأس دام سنگین آلوده یا تلف شده‌اند. بسیاری از این دام‌ها گاوهای مولد و اصیل اصلاح‌نژادشده بودند که طی دهه‌ها برای افزایش بهره‌وری پرورش یافته بودند.

نابودی این دام‌ها، تنها یک خسارت اقتصادی نیست؛ بلکه به معنای از بین رفتن ذخایر ژنتیکی ۴۰ تا ۵۰ ساله کشور در حوزه دامداری است.

تلفات گسترده، کاهش تولید شیر خام، نابودی گوساله‌های گوشتی آینده و توقف زنجیره تولید، پیامدهایی است که مســـتقیم بر افزایش قیمت لبنیات و گوشت قرمز تأثیر می‌گذارد.

تأثیر بر معیشت مردم و امنیت غذایی

با کاهش تولید شیر و گوشت، کارشناسان اقتصادی پیش‌بینی می‌کنند افزایش مجدد قیمت لبنیات و گوشت قرمز در ماه‌های آینده، سفره خانوار ایرانی را بیش از پیش کوچک‌تر کند.

به گفته کارشناســـان، تب برفکی امروز تنها یک بحران دامپزشکی نیست، بلکه به بحران امنیت غذایی و سلامت ملی تبدیل شده است.

ضرورت اقدام فوری

کارشناسان حوزه دام و تغذیه بر چند محور فوری تأکید دارند:

۱. قرنطینه و کنترل شدید مبادی ورودی کشور و جلوگیری از ورود فرآورده‌های آلوده؛

۲. تولید و واردات واکسن‌های باکیفیت و متناسب با سویه در گردش؛

۳. پایش ژنتیکـــی ویروس در سراسر کشـــور برای شناسایی دقیق تیپ‌های فعال؛

۴. جبران خســـارت‌های مالی دامداران و جلوگیری از نابودی دام‌هـــای مولد بـــا حمایت تسهیلاتی.

شیوع تب برفکی، نتیجه بی‌توجهی به هشدارها و ضعف در مدیریت پیشـــگیرانه داخلی است. این بحران، نه تنها دامداران، بلکه کل جامعه را درگیر کرده است؛ چراکه از میان رفتن تولید داخلی شیر و گوشت، به معنای فشار مستقیم بر معیشت مردم و کوچک‌تر شدن سفره خانوار ایرانی است.

فقط ۲ هفته برای تأمین نهاده مهلت داریم؛

وزارت جهاد برنامه مؤثر ندارد

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی گفت: گرانی کالاهای اساسی اگرچه نگران‌کننده است اما کمبود نهاده‌های دامی خطر جدی‌تری برای بازار ایجاد می‌کند؛ اگر نهاده ظرف یکی دو هفته آینده به دست تولیدکنندگان نرسد، احتمال بروز چالش جدی در تأمین مرغ بازار وجود دارد.

احد آزادی‌خواه، عضو کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی در پاسخ به پرسشی در موضوع نحوه نظارت مجلس با توجه به رشد سرسام‌آور بهای کالاهای اساسی و قیمت نهاده‌های دامی نسبت به سال گذشته و کمبود نهاده در بازار، اظهار داشت: طبیعتاً در بازار امروز کشورمان، گرانی کالاهای اساسی به یک موضوع جدی تبدیل شده و مردم، به‌ویژه دهک‌های پایین جامعه، از این وضعیت ناراضی هستند.

وی تاکید کرد: البته باید میان گرانی و گران‌فروشی تفاوت قائل شد؛ چراکه گران‌فروشی قابل برخورد است اما گرانی به معنای افزایش واقعی هزینه‌های تولید است. به عنوان مثال مرغدار اعلام می‌کند که براساس هزینه‌های نیروی کار، بیمه تأمین اجتماعی و سایر مخارج، امکان عرضه ارزان‌تر از قیمت فعلی را ندارد. این مسئله نگران‌کننده است و طبیعتاً تهیه کالا برای دهک‌های پایین جامعه دشوارتر می‌شود.

وی افزود: گرانی هرچند سخت، راه‌حل دارد اما نبود کالا نگران‌کننده‌تر است، در حال حاضر، کمبود نهاده‌های دامی موجب نگرانی نسبت به آینده بازار شده است زیرا ممکن است تأمین کالا با چالش روبه‌رو شود. کمبود نهاده‌های دامی به شدت تولیدکنندگان، مرغداران و دامداران را تحت فشار قرار داده و این مسئله متأثر از چند عامل است. یکی از مهم‌ترین عوامل، عدم تأمین به‌موقع ارز و مشکلات در فرآیند تخصیص آن است. در حال حاضر، با وجود تقسیم وظایف بین دستگاه‌های اجرایی، تصمیم نهایی در خصوص تخصیص ارز را بانک مرکزی اتخاذ می‌کند. البته بنا بر اطلاعاتی که در اختیار دارم، کشور از نظر ذخایر ارزی در وضعیت مطلوبی قرار دارد و مشکل کمبود ارز وجود ندارد.

آزادی‌خواه گفت: بانک مرکزی باید در تخصیص ارز دقت و سخت‌گیری بیشتری داشته باشد که البته در حال انجام است، ارزی که پیش‌تر برای برخی کالاهای غیرضروری تخصیص می‌یافت، نباید ادامه پیدا کند. برای مثال بانک مرکزی به پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه، تخصیص ارز برای واردات گوشت را متوقف کرد که از نظر من، اقدامی درست و قابل تقدیر بود؛ زیرا گوشت وارداتی فقط در برخی کلان‌شهرها توزیع می‌شد و سایر نقاط کشور از آن بی‌بهره بودند. با این حال، بانک مرکزی باید تأمین ارز کالاهای اساسی را در اولویت اول خود قرار دهد. خوشبختانه در روزهای اخیر با استفاده از ارز حاصل از فروش نفت، امکان واردات کالاهای اساسی و نهاده‌ها فراهم شده است.

نماینده مردم ملایر در مجلس شورای اسلامی عنوان کرد: یکی از مشکلات اساسی ما، وجود رانت در زنجیره تأمین کالاهای اساسی است. وقتی ارز کشور برای واردات نهاده اختصاص می‌یابد تا در نهایت به دست مردم برسد باید مورد رصد باشد؛ نباید مافیا و شبکه فساد، کالا را صادر کرده و از این طریق سود نامشروع ببرند. در برخی مقاطع که اکنون وجود ندارد، شاهد بودیم که تخم‌مرغ از کشور صادر می‌شد، در حالی که مرغدار نهاده یارانه‌ای دریافت کرده بود و ارز هم برای خودش باقی می‌ماند. این نوع رفتارها به ضرر مردم است و باید کنترل شود.

وی تصریح کرد: لازم است سامانه بازارگاه اصلاح شود تا تولیدکنندگان بتوانند مستقیماً از واردکنندگان کالا خریداری کنند و واسطه‌گری و دلالی در این مسیر حذف شود. وزیر جهاد نیز به این نتیجه رسیده که عوامل فروش بازارگاه باید جمع شود تا تولیدکننده بتواند مستقیم از واردکننده خرید کند.

وی درباره نظارت بر وضعیت جوجه‌ریزی گفت: در کمیته دام‌پروریِ کمیسیون کشاورزی جلسات متعددی در این خصوص برگزار شده است. بخش خصوصی نیز آمادگی لازم را برای انجام جوجه‌ریزی دارد و همه مسائل را به اصطلاح آنالیز کرده‌ایم اما شرط اصلی، تأمین به‌موقع نهاده است. اگر نهاده ظرف یکی دو هفته آینده به دست تولیدکنندگان نرسد، احتمال بروز چالش جدی در تأمین مرغ بازار وجود دارد. در حال حاضر، به نظر می‌رسد هیچ‌یک از نهادهای مسئول، اعم از وزارت جهاد کشاورزی یا بانک مرکزی، برنامه موثری برای رفع فوری این مشکل ندارند.

عضو کمیسیون کشاورزی مجلس خبر داد: در آخرین جلسه‌ای که دو روز پیش برگزار شد، مقرر گردید پس از تخصیص ارز از سوی بانک مرکزی، نهاده‌های دامی موجود در بنادر که در انتظار ترخیص هستند، وارد کشور شوند تا این مشکل حل شود. ما امیدواریم این روند سریع‌تر انجام شود زیرا هرگونه تأخیر در این زمینه خساراتی به کشور وارد می‌کند که جبران آن بسیار سخت خواهد بود. طبق اعلام وزارت جهاد کشاورزی، از ابتدای سال تاکنون کمتر از ۵ میلیارد دلار ارز برای کالاهای اساسی تأمین شده که در مقایسه با دو سال گذشته کاهش قابل توجه‌ای دارد. اگر بانک مرکزی در هفته آینده بتواند ارز مورد نیاز را تأمین کند، نهاده‌ها وارد بازار خواهند شد.

گلایه فعالان اقتصادی چین از زمان‌بر بودن صدور مجوزهای سرمایه‌گذاری در ایران

وزیر اقتصاد دولت ســـیزدهم اعلام کرد: تمرکز سیاست‌های اقتصادی جدید بر ایجاد پیوندهای پایدار سرمایه‌گذاری میان تهران و پکن است و کمیسیون مشترک دو کشور نقش کلیدی در رفع موانع دارد.

ســـید احســـان خاندوزی، وزیر امور اقتصادی و دارایی دولت سیزدهم با اشاره به اهمیت گسترش همکاری‌های اقتصادی ایران و چین اعلام کرد که تمرکز اصلی باید بر تسهیل سرمایه‌گذاری‌های مشترک باشد، نه اینکه صرفاً افزایش حجم تجارت بین دو کشور مدنظر قرار گیرد.

خاندوزی بیان کرد: چین در حال حاضر بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران است اما مهم‌تر از سطح تجارت، بهره‌گیری از ظرفیت‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه است که می‌تواند پیوندی بلندمدت میان دو کشور ایجاد کند.

وی با اشاره به نقش سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های فنی و اقتصادی ایران در حمایت، ضمانت و تسهیل روندهای مربوط به سرمایه‌گذاری‌های خارجی گفت: این سازمان باید با جدیت بیشتری در این زمینه فعال شود. در نشست امروز، برخی فعالان اقتصادی چینی از طولانی بودن روند صدور مجوزهای لازم برای ســـرمایه‌گذاری در ایران ابراز نارضایتی کردند که این موضوع می‌تواند اثر منفی بر انگیزه سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشد.

وزیر پیشین اقتصاد افزود: در شرایط فعلی، به‌ویژه پس از تحولات اخیر در حوزه تحریم‌ها و فشارهای خزانه‌داری آمریکا، ما نیاز داریم بیش از گذشته مسیر ورود سرمایه‌گذاران خارجی را هموار کنیم؛ به‌خصوص آن دسته از سرمایه‌گذارانی که با وجود محدودیت‌های بین‌المللی، همچنان تمایل به حضور در بازار ایران دارند.

خاندوزی با اشاره به ضرورت همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط از جمله بانک مرکزی بیان کرد: این نهادها باید به نحوی عمل کنند که فرآیند تبدیل و بازگشت سود سرمایه‌گذاران خارجی بدون مانع انجام شود تا انگیزه حضور شرکت‌های چینی که همواره از بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاران در ایران بوده‌اند، حفظ گردد.

وی همچنین بر نقش کمیسیون مشترک ایران و چین در رفع موانع متقابل تاکید کرد و گفت: همان‌طور که ایران باید تسهیل‌گر ســـرمایه‌گذاری چینی‌ها باشد، در طرف مقابل نیز انتظار می‌رود نهادهای متناظر در چین مسیر فعالیت سرمایه‌گذاران ایرانی را هموار کنند. کمیسیون مشترک اقتصادی دو کشور ظرفیت مناسبی برای پیگیری این مسائل دارد.

افول سرمایه‌گذاری و درآمد سرانه؛ وقتی موتور توسعه خاموش می‌شود

درآمد سرانه ایرانیان طی یک دهه گذشته حدود یک‌سوم کاهش یافته است و سرمایه‌گذاری در پایین‌ترین سطح تاریخی خود قرار دارد. در حالی که اغلب تحلیل‌ها، تحریم و نوسان درآمدهای نفت را عامل اصلی رکود می‌دانند، برخی پژوهشگران معتقدند مسئله ریشه‌دارتر است؛ اقتصاد ایران در نبودِ یک طبقه ســـرمایه‌دار مولد و بزرگ‌مقیاس، توان بازتولید رشد و توسعه را از دست داده است. درآمد سرانه ایرانیان (برحسب قیمت ثابت سال ۱۳۹۵) از حدود ۲۱ میلیون تومان در سال ۱۳۹۰ به نزدیک ۱۴ میلیون تومان در سال ۱۴۰۲ رسیده است. این کاهش به معنای از دست رفتن بخش قابل توجهی از رفاه مادی و توان مصرفی خانوار است؛ روندی که نشان می‌دهد اقتصاد ایران در بیش از ده سال گذشته نتوانسته رشد پایدار و فزاینده‌ای را تجربه کند. درواقع، برخلاف برخی تصورها که افت‌های اقتصادی را دوره‌ای و مقطعی می‌دانند، شواهد موجود از «روند نزولی مداوم» حکایت دارد؛ نه صرفاً یک افت در میان دوره‌های رونق.

سرمایه‌گذاری؛ موتور خاموش رشد

در کنار کاهش درآمد ســـرانه، یکی از شاخص‌های نگران‌کننده دیگر، افت قابل توجه تشکیل سرمایه ثابت ناخالص است. این شاخص، که میزان سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات، زیرساخت و ساختمان‌های مولد را نشان می‌دهد، طی ۱۲ سال اخیر در ۷ سال با رشد منفی مواجه بوده است. به بیان دیگر، ایران در بسیاری از سال‌های دهه ۱۳۹۰ و اوایل دهه ۱۴۰۰ کمتر از میزان استهلاک سرمایه‌های پیشین خود سرمایه‌گذاری کرده است. این یعنی توان تولید و اشتغال‌زایی کشور به‌تدریج در حال کاهش است. نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی نیز افت چشمگیری داشته و اکنون در یکی از پایین‌ترین سطوح تاریخی خود قرار دارد. این نسبت در کشورهای در حال توسعه معمولاً بالای ۳۰ درصد است، در حالی که در ایران به کمتر از ۲۰ درصد رسیده است.

دلایل افول؛ از تحریم تا ساختارهای درونی

تحریم‌های اقتصـــادی، افت درآمدهـــای نفتی و محدودیت‌های مبادلاتی بدون تردیـــد بر این روند تأثیرگذار بوده‌اند، اما داده‌ها نشان می‌دهد که مسئله صرفاً ناشی از تحریم نیست. درون اقتصاد نیز چند عامل پایدار عمل می‌کند:

ناتوانی نظام بانکی در تأمین مالی تولید و سرمایه‌گذاری جدید؛

بدهی‌های سنگین صندوق‌های بازنشستگی؛

کسری بودجه مزمن و اتکای فزاینده به منابع ناپایدار؛

و محیط پیش‌بینی‌ناپذیر سیاست‌گذاری برای بخش خصوصی. مجموع این عوامل موجب شـــده بخش خصوصی، به‌ویژه ســـرمایه‌گذاران مولد، تمایل خود به ســـرمایه‌گذاری‌های بلندمدت را از دست بدهند.

اقتصاد ایران با وجود ظرفیت‌های قابل توجه، از منابع طبیعی و انسانی تا موقعیت جغرافیایی، فاقد طبقه‌ای از سرمایه‌داران مولد بزرگ‌مقیاس است که بتوانند این ظرفیت‌ها را بالفعل کنند.